

پیامک/ مفهوم «قول سدید» باید به یک ضرورت فرهنگی تبدیل شود/ حتی به نفع مقدسات نباید از

سخنی غیر از قول سدید استفاده کرد

- استادپنهاییان در جلسه ۲۷ تاریخ تحلیلی اسلام با اشاره به تأکید رسول خدا(ص) برای رعایت قول سدید در دعوت: اگر تفاوت وزن توصیه‌های دینی را درک نکنیم مذهبی عوام خواهیم بود/ مفهوم «قول سدید» باید به یک ضرورت فرهنگی تبدیل شود/ قول سدید یعنی سخن صحیح و دقیق و پرهیز از سخن بی‌پایه. قول سدید باید جزء یکی از مطالبات اولیه فرهنگی جامعه قرار گیرد.
- بی‌تقوایی فقط دروغ، غیبت و تهمت نیست. قول غیر سدید هم بی‌تقوایی است/ هر لقمه سیاسی‌ای که از گلو هر گروهی پایین برود اما از راه قول غیر سدید باشد، گلوگیر خواهد شد. خواه آن گروه انقلابی باشد، یا غیرانقلابی. حتی به نفع خدا، ولایت ائمه(ع) و ولایت فقیه هم نباید از سخنی غیر از قول سدید استفاده کرد.
- می‌توان راست گفت اما با گفتن بخشی از حقیقت، یا انتخاب زمان نابه‌جا، یا نگفتن برخی حواشی لازم، با همان سخن صحیح، مردم را گمراه کرد./ روزنامه‌هایی که متعهد به احزاب هستند نه متعهد به حق، هیچگاه خود را متعهد به قول سدید نمی‌دانند. حداکثر خود را موظف به «قول صحیح» می‌دانند که به نفعشان باشد، و بتوانند با آن رقیب را تخریب کنند.
- امروز رعایت قول سدید در جامعه ما دشوار است. اگر اهل قول سدید باشید مدام شما را به وابستگی به جناح‌ها یا عدم تعادل و سیاسی نبودن متهم می‌کنند. کم‌اینکه امام و مقام معظم رهبری را متهم کردند. باید گروهی فداکاری کنند و قول سدید داشته باشند.
- اغلب ممنوعیت‌های دینی در مواقعی است که انسان می‌خواهد با عجله به نتیجه برسد. وقتی پدر و مادر مذهبی در تربیت فرزند با عجله به دنبال نتیجه باشند، بدتر می‌شود. موعظه و سرزنش بیش از حد، اجبار نابه‌جا، تشویق‌های زیادی و بی‌جا، همگی به خاطر این است که انسان می‌خواهد زود به نتیجه برسد، در حالی که کار تربیتی یک کار دراز مدت است.
- مادران از پدران در تربیت فرزند مؤثرترند. لذا طبیعتاً بچه باید قول سدید را از مادرش یاد بگیرد. بنابراین مادرها در قول سدید باید کار بیشتری روی خود انجام دهند تا پدرها. چون اثر تربیتی مادرها بیشتر است./ رعایت تقوای زبان اولین وصفی است که امیرالمؤمنین(ع) در خطبه متقین بیان می‌کنند/ کنترل زبان، چشم و گوش هم کنترل خواهد شد.

پنهاییان: مفهوم «قول سدید» باید تبدیل به یک ضرورت فرهنگی شود/ هر لقمه سیاسی‌ای که از گلو

هر گروهی پایین برود اما از طریق قول سدید نباشد، گلوگیر خواهد شد

پنهاییان: امروز به عنوان یکی از ضرورت‌های فرهنگی برای جامعه خودمان باید به موضوع «قول سدید» توجه کنیم. بر اساس سیره نبوی می‌توان فهمید که وزن این توصیه دین چقدر بالاست؛ چون رسول خدا(ص) هر جمعه در خطبه‌های نماز جمعه این آیه را قرائت می‌فرمودند. اینکه پیامبر(ص) در میان تمام آیات قرآن، این آیه را انتخاب می‌فرماید و هر هفته در نماز جمعه قرائت می‌فرماید، وزن و اهمیت این مفهوم را به ما می‌فهماند.

باید تفاوت وزن توصیه‌های دینی را درک کنیم و الا دینداری ما عوامانه خواهد بود/ مفهوم «قول سدید»

باید تبدیل به یک ضرورت فرهنگی شود

- برخی مفاهیم دینی یا توصیه‌های دین برای رفتارهای ما، باید به عنوان ضرورت‌های مهم فرهنگی تلقی شوند. ما باید تفاوت وزن توصیه‌های دینی را درک کنیم و الا دینداری ما عوامانه خواهد بود. کسی که حجم انبوهی از علم و آگاهی داشته باشد اما تفاوت وزن معارفی را که دارد درک نکند، یک عالم عوام خواهد بود.

- یکی از مفاهیم دینی که وزن بسیار بالایی دارد و باید تبدیل به یک فرهنگ بلکه یک ضرورت فرهنگی شود و باید تبدیل به یک مطالبه اولیه فرهنگی در جامعه اسلامی شود و در نتیجه، موضوع اول امر به معروف و نهی از منکر قرار گیرد، مفهوم قول سدید است؛ یعنی سخن گفتن محکم و استوار و صحیح، یعنی سخن بی‌پایه و اساس نردن، یعنی سخنی که از سویی مطابق با واقع باشد و از سوی دیگر برای خدا و به امر خدا باشد.

می‌توان راست گفت، ولی با بیان فقط بخشی از یک حقیقت مردم را به اشتباه انداخت

- در قرآن کریم دو مرتبه در کنار توصیه به تقوا، به قول سدید توصیه شده است. (أَتَقُوا اللَّهَ وَ قَوْلُوا قَوْلًا سَدِيدًا: احزاب/۷۰) و (فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا: نساء/۹) قول سدید، سخنی است که هم راست و صحیح باشد(غلط و اشتباه نباشد)، و هم «دقیق» باشد. شما گاهی می‌توانید راست بگویید ولی «بخشی» از یک حقیقت را بیان کنید و با آن، مردم را به اشتباه بیندازید. یا می‌توانید زمان گفتن یک سخن درست را نابه‌جا انتخاب کنید و مردم را گمراه کنید. و می‌توانید بدون زدن قید و حاشیه لازم به یک سخن صحیح، با آن سخن صحیح، مردم را گمراه کنید و اغراض غیرالهی خودتان را تعقیب کنید.
- کسانی که در جنگ‌های روانی از هر گزاره‌ای برای تخریب غیرمنصفانه طرف مقابل استفاده می‌کنند و هنر برپا کردن جنگ روانی با سوء استفاده از کلمات را دارند، بویی از فضیلت «قول سدید» نبرده‌اند. البته معمولاً اهالی رسانه و تبلیغات، در جنگ روانی سعی می‌کنند سخن راست بگویند تا اعتبارشان خدشه‌دار نشود و اگر هم سخنی می‌گویند که تا حدودی ناصحیح است، سعی می‌کنند طوری نباشد که پای‌شان به دادگاه کشیده شود؛ یعنی کلمات خود را طوری انتخاب می‌کنند که دروغ نباشد ولی به هدف شوم خود یعنی تخریب طرف مقابل برسند.

امروز به عنوان یکی از ضرورت‌های فرهنگی برای جامعه خودمان باید به موضوع «قول سدید» توجه

کنیم/ قول سدید، سخنی است که برای خدا بر زبان جاری شود

- امروز به عنوان یکی از ضرورت‌های فرهنگی برای جامعه خودمان باید به موضوع «قول سدید» توجه کنیم. بر اساس سیره نبوی می‌توان فهمید که وزن این توصیه دین چقدر بالاست؛ چون رسول خدا(ص) هر جمعه در خطبه‌های نماز جمعه این آیه را قرائت می‌فرمودند. اینکه پیامبر(ص) در میان تمام آیات قرآن، این آیه را انتخاب می‌فرماید و هر هفته در نماز جمعه قرائت می‌فرماید، وزن و اهمیت این مفهوم را به ما می‌فهماند.
- قول سدید، سخنی است که برای خدا بر زبان جاری شود. یعنی جدای از اینکه باید به حق بیان شود و صحیح باشد، باید با انگیزه صحیح هم باشد و برای خدا باشد و به امر خدا باشد. مثلاً اگر کسی غیبت کند، سخنش قول سدید نیست هر چند راست بگوید.

قول سدید آن چنان در جامعه ما باب نیست

- متأسفانه بسیاری اوقات دیده می‌شود که در جامعه ما از قول سدید پرهیز می‌شود. لذا باید ببینیم قول سدید چه ضررهایی دارد که ما از آن پرهیز می‌کنیم؟! مثلاً اگر روزنامه‌ها در دست احزاب و جریان‌هایی باشند که غالباً متعهد به حزب هستند نه متعهد به حق، آنها هیچ‌وقت خودشان را موظف به قول سدید نمی‌دانند. حداکثرش این است که خودشان را به «قول صحیح» موظف بدانند، آن هم قول صحیحی که به نفعشان باشد، به دردشان بخورد و بتوانند رقیبشان را تخریب کنند. و البته آنها اکثر فقط «بخشی از سخن صحیح» را بیان می‌کنند نه همه آن را. یک روزنامه این‌طرفی یا آن‌طرفی پیدا کنید که وقتی بدی‌های طرف مقابل خود را می‌گوید، خوبی‌هایش را هم بگوید. نه بدی‌های او و نه خوبی‌های خودش بزرگنمایی نکند.

- اصلاً گفتن قول سدید آن چنان در جامعه ما باب نیست. باید یک گروهی فداکاری کنند و قول سدید داشته باشند. متأسفانه در این جامعه ما اگر کسی قول سدید بگوید، به عنوان یک آدم نامتعادل و غیرسیاسی تلقی می‌شود! مثلاً اگر شما در یک انتخابات، بگویید نظر من فلان شخص است، بعد از شما پرسند، نظراتان نسبت به آن شخص دیگر چیست؟ شما بگویید: ایشان هم آدم خوبی هستند، در این صورت احتمالاً به شما خواهند گفت: «شما ثبات نظر نداری و تحت تأثیر فشارهای سیاسی هستی! چون وقتی می‌گویی نظرم فلان شخص است باید دیگران را انکار کنی! و نباید از خوبی‌های دیگران سخن بگویی»

بی‌تقوایی فقط دروغ و غیبت نیست، بعضی‌ها دروغ نمی‌گویند اما سخن سُست و بی‌پایه می‌گویند

- بی‌تقوایی فقط به این نیست که انسان دروغ بگوید یا غیبت کند یا تهمت بزند. قول سدید نگفتن، بی‌تقوایی است. آیه «اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ احزاب/۷۰» نشان می‌دهد که اقتضای تقوا، قول سدید داشتن است نه اینکه بی‌تقوایی فقط به دروغ گفتن باشد. بعضی‌ها دروغ نمی‌گویند اما سخن سُست و بی‌پایه می‌گویند.
- اگر برخی سخنان که در روزنامه‌ها و رسانه‌ها منتشر می‌شود بی‌تقوایی باشد، چه انتظاری از تقوا در میان مردم می‌توان داشت که با رعایت تقوا مرتکب گناهان دیگر نشوند؟! به ویژه اگر توجه داشته باشیم که وزن قول سدید بالاتر از وزن بسیاری دیگر از مصادیق تقواست.
- بنده به کسی که زمانی روزنامه‌ای داشت گفتم: چرا شما در بالای صفحه روزنامه خود، این شعار را می‌زنید که «دانستن حق مردم است»؟ گفت مگر دانستن حق مردم نیست؟ گفتم شما خودت استاد جنگ روانی هستی و می‌دانی که این یک شعار است نه یک آگاهی، و این شعار القاء می‌کند که «ای مردم! کسانی می‌خواهند جلوی دانستن شما را بگیرند!» و شما می‌دانی که کسی نمی‌خواهد جلوی دانستن مردم را بگیرد. نمونه‌اش همین روزنامه شماس است که هرچیزی دلتان می‌خواهد می‌گوید. لذا مصادیق سخن راستی است که برای یک القاء منفی، غیرمنصفانه و دروغ بیان می‌شود. آیا خداوند در روز قیامت از چنین بی‌تقوایی‌ها می‌گذرد؟

هر لقمهٔ سیاسی‌ای که از گلوی هر گروهی پایین برود اما از طریق قول سدید نباشد، گلوگیر خواهد شد

- هر لقمهٔ سیاسی‌ای که از گلوی هر گروهی پایین برود اما از طریق قول سدید نباشد، آن لقمه گلوگیر خواهد شد. فرقی هم نمی‌کند آن گروه خود را حزب‌اللهی باندان یا غیرحزب‌اللهی. شما حتی به نفع خدا، انبیاء الهی، ولایت ائمه هدی و ولایت فقیه هم نمی‌توانید از سخنی غیر از قول سدید استفاده کنید.
- پیامبر(ص) وقتی شخصی را به تبلیغ دین و دعوت مأمور کردند، بعد از رفق و مهربانی، به او توصیه کردند که قول سدید بگوید. (فَقَالَ عَلَيْكَ بِالرِّقِّ وَ الْقَوْلِ السَّيِّدِ؛ کنزالفوائد/۲۱۰/۷) قول سدید یعنی همهٔ جوانب سخن را رعایت کنیم، یعنی سخن ما هم صحیح باشد، هم انگیزه‌اش درست باشد و برای خدا باشد و هم به امر خدا باشد.

شنیدن قول سدید هم ظرفیت می‌خواهد/مردم به شنیدن قول سدید عادت ندارند

- شنیدن قول سدید هم ظرفیت می‌خواهد. بسیاری از مردم به شنیدن قول سدید عادت ندارند. قول سدید ممکن است فضیلت کسی را به اندازه‌ای که هست بیان کند و اصلاً قصد تبلیغات او را هم نداشته باشد. اتفاقاً گاهی اوقات وقتی به آن اندازه او را تأیید کند در واقع معنایش این است که من بیش از این مقدار او را تأیید نکرده‌ام. بسیاری از اوقات به دلیل عادت نداشتن بخشی از مردم به شنیدن قول سدید، در جامعه برداشت نادرستی از تعریف‌های حضرت امام یا مقام معظم رهبری در مورد مسئولین پدید می‌آید. مثلاً بیان یک امتیاز

یک مسئول توسط رهبر را به معنای تأیید کامل او می‌گیرند، یا بیان یک ایراد از او را به معنای رد کامل او می‌گیرند؛ در حالیکه اگر انسان ظرفیت شنیدن قول سدید را داشته باشد، دچار اینگونه افراط و تفریط‌ها نمی‌شود.

- در اغلب ادوار ریاست جمهوری از ابتدای انقلاب تاکنون این مشکل را داشته‌ایم که بعضی‌ها سخنان امام یا مقام معظم رهبری در حمایت و پشتیبانی از دولت را به معنای طرفداری کامل از رؤسای دولت‌ها تعبیر کرده‌اند. در حالی مقام معظم رهبری نیز مانند حضرت امام، اهل قول سدید است و هر جا کسی را تأیید کردند، باید دقت کنید و ببینید کدام قسمت را تأیید کردند. و این تأیید را نباید به چیزی بیشتر از آن مقداری که ایشان تأیید کرده‌اند، بسط داد. ایشان نه اهل تبلیغ افراد هستند و نه اهل تخریب. نه اهل جنگ روانی هستند و نه اهل تحمیق مردم.
- به عنوان مثالی از دوران حضرت امام، بعضی‌ها وقتی حضرت امام سخنرانی می‌کردند و به یکی از وجوه مثبت بنی‌صدر اشاره می‌کردند، می‌گفتند: دیدید امام(ره) از بنی‌صدر دفاع کرد؟! در حالی که آن سخنان امام(ره) در دفاع از بنی‌صدر کاملاً دقیق و صحیح بوده است. مثلاً یک‌بار امام(ره) دربارهٔ بنی‌صدر فرمود که ایشان فرزند یک عالم بزرگوار است. و بعضی‌ها این سخن امام را تأییدی برای بنی‌صدر در مقابل شهید بهشتی تلقی کردند و شعار مرگ بر بهشتی سر دادند.
- گاهی اوقات فضای جامعه برای گفتن قول سدید بسیار تنگ می‌شود. اگر کسی اهل قول سدید باشد، او را به وابستگی سیاسی و حزبی به این جناح یا آن جناح متهم می‌کنند یا او را به عدم تعادل سیاسی و نداشتن تشخیص سیاسی متهم می‌کنند. وقتی برخی حتی به امام(ره) و مقام معظم رهبری چنین اتهاماتی می‌زنند، دیگران که جای خود دارد.
- متأسفانه بعضی‌ها منتظر هستند گوشه‌ای از کلمات شما را برجسته کنند و به شونده جهت بدهند و آن جهت را به گوینده هم تحمیل کنند؛ یعنی با تیت زدن، همان جهتی که خودشان می‌خواهند را به سخن او بدهند. هیچ دادگاهی هم به این سادگی نمی‌تواند به کار این رسانه‌ها ایراد بگیرد و جلوی قول غیر سدید را بگیرد. این مشکل بیش از هر چیز با ارتقای فرهنگ سیاسی و زشت شدن قول غیرسدید در فرهنگ جامعه پدید می‌آید.

دینداری معمولاً ما را «دیر» و «غیرمستقیم» به نتیجه می‌رساند/ اگر بخواهیم شتابزده به مقصد برسیم

حتماً از قول سدید فاصله خواهیم گرفت

- بعضی‌ها فکر می‌کنند که می‌توانند با قول غیر سدید جلوی ضرر را بگیرند یا منفعتی را جلب کنند. اما این امکان ندارد چون آن ضرر یا بدتر از آن بالاخره از ناحیه دیگری به شما خواهد رسید و در مجموع هیچ منفعت بلندمدتی با قول غیر سدید به شما نخواهد رسید.
- **هر کسی می‌خواهد دینداری کند باید به این مسأله توجه کند که دینداری از جهت رسیدن به نتیجه دو ویژگی دارد: یکی اینکه عمل کردن مطابق دستورات دینی، معمولاً موجب می‌شود دیر به نتیجه برسید و دوم اینکه دستورات دین کاری می‌کند که غیر مستقیم به نتیجه برسید. و این دو ویژگی، آدم نابردبار را دق مرگ می‌کند! و آدم‌ها چون معمولاً صبوری ندارند، نمی‌توانند خوب دینداری کنند. چون معمولاً دین نمی‌گذارد از راه پرشتاب به نتیجه برسیم. در مورد قول سدید هم همین‌طور است. یعنی اگر بخواهیم شتابزده به مقصد برسیم حتماً از قول سدید فاصله خواهیم گرفت.**
- ممنوعیت‌های دینی معمولاً در آن جاهایی است که شما می‌خواهید با عجله به نتیجه برسید. مثلاً پدر و مادر مذهبی وقتی در تربیت فرزند خود بخواهند با عجله به نتیجه برسند، نتیجهٔ ضعیف‌تری می‌گیرند. برخی مصادیق شتاب کردن در تربیت عبارت است از: بیش

از پیش موعظه کردن و سرزنش کردن، نابه‌جا اجبار به کار بستن، تشویق‌های زیادی و بی‌جا، همه اینها به خاطر این است که کسی می‌خواهد در کار تربیت، زود به نتیجه برسد در حالی که کار تربیتی یک کار دراز مدت است.

- گاهی اوقات ما می‌خواهیم مستقیم به نتیجه برسیم در حالی که خداوند روزی مؤمن باتقوا را غیر مستقیم و از جایی که حساب نمی‌کند به او می‌رساند (و یرزقه من حیث لا یحسب؛ طلاق/۳) شما وقتی تقوا پیشه کنید، معمولاً احساس می‌کنید دارید از هدف خودتان دور می‌شوید. ولی این‌طور نیست. یعنی شما به ظاهر از هدف خود دور می‌شوید ولی یک‌دفعه‌ای هدف را در آغوش خواهید کشید. این خاصیت دین است.

اگر قول سدید بگویید خدا کار شما را درست خواهد کرد/ امام صادق(ع): تا سخن عادلانه بر زبان جاری نکنی خدا از تو چیزی را قبول نمی‌کند

- خداوند بعد از توصیه به قول سدید می‌فرماید: «...قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (۷۰ و ۷۱) یعنی اگر قول سدید بگویید خداوند کار شما را درست خواهد کرد. چون معمولاً انسان از قول سدید فاصله می‌گیرد، تا کار خودش را درست کند. لذا در اینجا خدا می‌فرماید: اگر شما قول سدید داشته باشید، خودم کارهای شما را درست خواهیم کرد.
- امام صادق(ع) می‌فرماید: «خداوند در قرآن فرمود: «قول سدید بگویید تا خدا کار شما را اصلاح کند، بدان که تا سخن عادلانه بر زبان جاری نکنی خدا از تو چیزی را قبول نمی‌کند؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَا يُنْقَلُ اللَّهُ مِنْكَ شَيْئًا حَتَّى تَقُولَ قَوْلًا عَدْلًا» (کافی/۱۰۷/۸) یعنی خدا از ما هیچ چیزی را قبول نمی‌کند مگر اینکه قول سدید بگوییم.

بچه باید قول سدید را از مادرش یاد بگیرد چون اثر تربیتی مادرها بر فرزندان بیشتر است

- خیلی گفته‌اند که مادران از پدران در تربیت فرزند مؤثرترند (آنقدری که بچه از مادر چیز می‌شنود از پدر نمی‌شنود. آنقدری که اخلاق مادر تأثیر دارد در بچه کوچولوی نارس و به او منتقل می‌شود از دیگران نمی‌شود؛ صحیفه امام/۱۳۶/۹) پس طبیعتاً بچه باید قول سدید را از مادرش یاد بگیرد. لذا مادرها در قول سدید باید کار بیشتری روی خود انجام دهند تا پدرها. چون اثر تربیتی مادرها بر فرزندان بیشتر است. خانم‌ها مخصوصاً وقتی عصبانی می‌شوند یا دچار احساسات و هیجان می‌شوند، خیلی باید مراقب کلماتی باشند که بر زبان جاری می‌کنند.
- زبان و سخن گفتن، علامت خیلی بزرگی برای سلامت روح انسان است. در خطبه همام که امیرالمؤمنین(ع) اوصاف متقین را بیان می‌فرماید، اولین صفت اهل تقوا را چنین بیان می‌فرماید: «مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ» یعنی اولین فضیلت متقین از نگاه امیرالمؤمنین(ع) مربوط به زبان و سخن گفتن آنهاست (فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ وَ مَلَبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ وَ...: نهج البلاغه/خطبه/۱۹۳)

